

ذره بین

متهم پیش از عبداز زندان آزاد شده بود
دستگیری دوباره پسر آزارگر



شهروند | پسر جوانی که سابقه آزار و اذیت

زنان در پرونده خود داشت، پس از آزادی از زندان بار دیگر نقشه خود را در پوشش راننده مسافربر اجرایی کرد.

۲۴ فروردین ماه بود که پرونده آزار و اذیت جنسی یک زن پیش روی مأموران کلانتری ۱۵۲ خانی آباد قرار گرفت. این زن که از راننده یک خودرو پراید شکایت داشت، به کار آگاهان گفت: «ظاهر بود از محل کارم در شهر که غرب به مقصد

پل مدیریت، به عنوان مسافر سوار یک پراید شدم؛ وقتی به پل مدیریت رسیدم، راننده پراید مقصد نهایی ما را پرسید و وقتی متوجه شد به نازی آباد می روم، ادعا کرد که قصد دارد به آن منطقه برود؛ پس از رسیدن به نازی آباد، راننده پراید بدون آن که مرا پیاده کند، وارد آزادگان شد؛ اعتراض کردم و خواستم پیاده شوم که راننده مدعی شد مسیبر را گم کرده است؛ پس از آن وارد یک جاده خاکی در محله کریم آباد شد؛ می خواستم از خودرو پیاده شوم که راننده، درهای خودرو را قفل کرد؛ یک شیشه قهوه ای من به نشان داد و گفت: «داخل شیشه اسید است؛ اگر فریاد بزنم، آن را روی صورت می پاشم؛» ترسیده بودم و راننده با تهدید پرورد مرا مورد آزار و اذیت قرار داد.» شاکي پرونده در ادامه اظهاراتش به کار آگاهان گفت: «زمانی که راننده پراید قصد پیاده کردنم را داشت، توانستم با دوربین گوشی تلفن همراهم از پلاک خودروش عکس بگیرم.» شاکي در خصوص مشخصات راننده پراید نیز به کار آگاهان گفت: «راننده پراید جوانی حدوداً ۲۳ ساله، قد بلند، چاق بود اما صورتش لاغر، موهایش هم خرمایی رنگ بود.»

کار آگاهان پلیس آگاهی، با بهره گیری از پلاک خودرو پراید اطلاع پیدا کردند که خودرو از نظر حقوقی متعلق به یک خانم است اما خودرو در تصرف پسرش به نام مهدی ۲۶ ساله قرار دارد.

با شناسایی صدرصدی تصویر «مهدی» از سوی شاکي پرونده، کار آگاهان با مراجعه به محل سکونت وی در منطقه ستارخان - خیابان شاهمهر، توانستند وی را دوم اردیبهشت دستگیر کنند.

با دستگیری و انتقال «مهدی» به اداره شانزدهم، در بررسی سوابق وی مشخص شد که او از مجرمین سابقه دار است که پرونده های مشابه دقیقاً به همین اتهام را دارد و بنا بر اظهاراتش، در روزهای پایانی اسفندماه ۱۳۹۵ از زندان آزاد شده است.

متهم در همان تحقیقات اولیه به آزار و اذیت در پوشش مسافر کشی اعتراف و شاکي پرونده نیز در مواجهه حضوری، متهم را به صورت کامل مورد شناسایی قرار داده است. ● ● ●

ارجاع ۲ جسد دیگر در حادثه سیل اخیر به پزشکی قانونی

ایران | بعد از گذشت یک هفته از وقوع سیل در استان های آذربایجان شرقی و کردستان، ۲ جسد در شهرهای آذر شهر و چنار عجب شیر به پزشکی قانونی ارجاع شد. با پیدا شدن این دو جسد جمع فوتی های سیل به ۴۵ تن رسید. پزشکی قانونی استان آذربایجان شرقی اعلام کرد که فوتی های سیل در آذربهر به ۲۰ تن رسید.

بر اساس این گزارش، با پیدا شدن جسد ۲ کودک در شهرستان های آذر شهر و عجب شیر، شمار جانباختگان سیل در آذربهر به ۲۰ و در عجب شیر نیز به ۲۰ تن رسید و به این ترتیب با احتساب فوتی های سلسق و پانه (۵ تن) جمع کشته های سیل آذربایجان و کردستان تاکنون ۴۵ تن است.

بر اساس این گزارش، به گفته مدیر کل پزشکی قانونی استان آذربایجان شرقی در حال حاضر و بنا به اطلاعات موجود تنها یک کودک مفقودی در روستای چنار عجب شیر وجود دارد که جسد او تاکنون کشف نشده است.

سیلاب روز ۲۵ فروردین، استان های مورد نظر را فرا گرفت که این حادثه موجب بروز خسارات جانی و مالی بی شماری از هموطنان در این استان ها شد که مراغه، چاروا، ایمق، هرس و بستان آباد از جمله این شهرستان ها به شمار می آید.

شهرستان های ورزن، شیبتر، تبریز، عجب شیر، آذر شهر، ملکان، سراب، ارومیه، اشنویه، نقده، پیرانشهر، سنقر و زنجان از دیگر مناطقی به شمار می آیند که از سیلاب اخیر خسارت دیدند.

برادر یکی از ۷ قربانی قتل های سریالی گیلان در گفت و گو با «شهروند» پرده از ۱۰ ماه انتظار برداشت

همسفری که باز نگشت

◀ **برادر مقتول ۴۵ ساله: نسبت های ناروایی در رابطه با مقتولان این حادثه مطرح شد که دل ما را بیشتر به درد می آورد**

شهروند | دو روز از انتشار خبر تکرار دهنده قتل های زنجیرهای گیلان می گذرد. اعتراضات هولناک مردی که تاکنون به قتل ۷ زن میانسال اقرار کرده است. مرد ۴۰ ساله ای که در اظهاراتش مدعی شده در قتل ها همسرش هم با او همدمت بوده و پس از به دام انداختن زنان میانسال و کشتن آنها طلا و اموالشان را به سرقت می برده و برای بین بردن آثار جرم پیکر بی جان و منگنه شده آنها را در گوشه و کنار روستاها و جاده های خلوت گیلان رها می کرده است. حالا با گذشت چند روز از دستگیری و اعترافات قاتل سریالی گیلان پیکر برخی از قربانیان هنوز پیدا نشده تا خانواده های داغدار آنها هنوز هم چشم انتظار باشند، در دست مثل خانواده یکی از قربانیان که از تیر سال گذشته چشم انتظار پیدا شدن ردی از خواهرشان بودند. خواهری که یک روز از خانه بیرون رفت اما دیگر برنگشت تا این که یکشنبه هفته گذشته بعد از ۱۰ ماه پلیس خبر قتل او را به آنها اطلاع می دهد. خبری بهت آور که هنوز هم خانواده آن زن نمی توانستند باور کنند، در ادامه گفت و گوی «شهروند» با برادر یکی از متولان سریالی رشت رامی خوانید.

خواهر تان از کی ناپدید شد؟

همه چیز از مسافرت سال گذشته به شمال شروع شد. ما همراه خانواده تصمیم گرفتیم که برای تعطیلات عید فطر به گیلان برویم. با خواهرم تماس گرفتیم، موضوع مسافرت را به او هم گفتیم، خواهرم هم گفت من هم با شما می آیم، ای

کاش نمی آمده با هم رفتیم، روز دوم سفر بود که خواهرم صبح از خانه خارج شد تا ظاهر صبر کردیم اما خبری از او نشد، با موبایلش تماس گرفتیم خاموش بود، البته زیاد نگران نشدیم پیش خودمان فکر کردیم که شارژ گوشیش تمام شده، بچه هم که نبود، ۴۵ سال داشت، خودش دو تا بچه بزرگ دارد، تا غروب هم صبر کردیم اما باز از او خبری نشد، کم کم نگران شدیم، اوایل شب بود که دیگر تصمیم گرفتیم موضوع را به پلیس اطلاع دهیم. به کلانتری رفتیم و ماجرا را تعریف کردیم. آنها مشخصات او را از ما گرفتند و به ما گفتند که ما با تماس می گیرند، تا این که بعد از ۱۰ ماه از طرف خانواده ای ما تماس گرفتند و گفتند که خواهر تان به قتل رسیده است.

پس در این مدت خیلی عذاب کشیدید؟
شاید بار تان نشود در این مدت هر جایی که فکر می کردیم سر زدیم تا شاید ردی از او پیدا کنیم. خواهرم جایی نداشت که برود. خانه و زندگیش تهران بود، همه شهرهای استان گیلان را دنبالش گشتیم، از همه اقوام و آشنایان حتی دوستان خانوادگی قدیم سراغ او را گرفتیم اما انگار آب شده بود، رفته بود توی زمین بیچاره بچه های آنها هم خیلی اذیت شدند. همه ما دنبال او بودیم. هر چند وقت یکبار هم با کلانتری و آگاهی تماس می گرفتیم اما آنها هم می گفتند پیگیر هستیم و خبرمان می کنند.

خواهر تان ساکن تهران بود؟

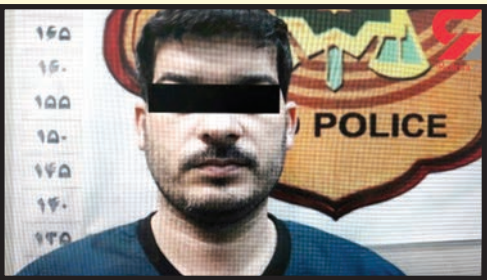
ما اصالتاً گیلانی هستیم. خواهرم چند سال

پس از این که همسرش فوت کرد به تهران آمد؛ یک دختر و یک پسر بزرگ هم دارد، من خودم هم ۲۴ سال است که ساکن تهران هستم. کاش خواهرم تهران می ماند و با ما به سفر نمی آمد. شاید اگر ما به مسافرت نمی رفتیم این اتفاق نمی افتاد.

چهارمانی از قتل خواهر تان مطلع شدید؟
یکشنبه هفته پیش بود که پلیس با ما تماس گرفت. البته اول پسر خواهرم در جریان قرار گرفت و بعد هم ما وقتی این خبر را شنیدیم، خیلی شوکه شدیم. بعد از ۱۰ ماه بی خبری، تازه بهمی که خواهرت به قتل رسیده آن هم به این شکل فجیع. از هفته پیش که این خبر را به ما دادند، اعصابم به هم ریخته، باورم نمی شد، خواهرم خبری از زندگی ندید. شوهرش که فوت کرده بود، به سختی بچه هایش را بزرگ کرد، تا آمد کمی لذت زندگی را بچشد که این بلا سرش آمد. این حق خواهرم نبود. حالا هم که بعد از مرگش برخی روزنامه ها و سایت ها طوری خبر را منتشر می کنند که انگار او مقصر بوده، من نمی دانم این حرف ها را بر اساس چه سند و مدرکی مطرح می کنند.

چهار حرف های بیشتر توضیح دهید.

مناسفه از وقتی که پلیس این خبر را رسانه ای کرد، هر کسی هر جوری که دلش می خواهد راجع به این موضوع اظهار نظر می کند. بدون آن که از واقعیت ماجرا خبر داشته باشد. چند تا از روزنامه ها نسبت های ناروایی در رابطه با مقتولان این حادثه مطرح کردند که ما را بیشتر ناراحت کرد. این صحبت هایی که مطرح می شود، کذب محض



که این مرد، دست به جنایت های دیگری هم زده باشد، برای همین تحقیقات از وی همچنان از سوی پلیس استان گیلان ادامه دارد.

اعترافات شوکتی و لنگه در لاین خاکستری

تحقیقات نشان داد که همسر صیغهای این مرد نیز سابقه سرقت گوشی تلفن همراه دارد. در ادامه مشخص شد که این مرد گویا قبلاً آشنیز بوده و خودش نیز در ارتعافاتش اعلام کرد که به خاطر مهارت در شغلش به راحتی می توانسته اجساد را مثله کند. او در اعتراف هایش به مأموران گفت که سال ۸۷ زنی را به عنوان مسافر سوار خودرواش کرده و برای سرقت ۱۱ عدد الگویی دستش او را به قتل رسانده است. همچنین او به دو قتل دیگر در فروردین و خرداد ۸۸ نیز اعتراف کرد. آنجیز ماهایی هم همگی سرقت طلا بوده است. او همچنین اجساد تمام قربانیان را مثله و بقایای جسد را در جنگل ها رها می کرد. برای همین احتمال می رود

شهروند | اخاذ آدم را که روسای بانک های مختلف شهری کشور را به گروگان می گرفت تا پول های میلیونی به جیب بزند در عملیات پلیس استان البرز دستگیر شد. پلیس آگاهی استان البرز با انتشار تصاویر اخاذ آدم را، از شهروندان خواست برای شناسایی متهم و طرح شکایت به پلیس آگاهی مراجعه کنند.

در پی اعلام شکایت معاون یکی از شعب بانک های دولتی در کرج مبنی بر تماس مشکوک رئیس بانک و درخواست واریز یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال به حساب وی موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس آگاهی استان البرز قرار گرفت. در بررسی های مقدماتی مأموران مشخص شد که دو روز گذشته رئیس بانک طی تماس تلفنی با معاون خود در حالی که ترس و اضطراب در صدایش مشخص بود از وی می خواهد تا جهت امور مالی بانک این پول را به صورت کارت به کارت به حساب وی واریز کند.

شوهاد امر حاکی از آن بود که احتمالاً رئیس بانک تحت فشار عده ای ناشناس مجبور به تماس تلفنی جهت واریز وجه شده است. به همین دلیل بررسی پرونده وارد مرحله جدیدی شد و کار آگاهان با حضور در بانک تحقیقات میدانی را در خصوص مراجعه های اخیر مشتریان بانک و بررسی مکالمات صورت گرفته، انجام دادند.

با تحقیقات تکمیلی مأموران مشخص شد که از چندی قبل مردی با مراجعه به بانک و ایجاد روابط دوستانه با کارمندان و



دستش عصبانی بودیم، تا این که آخرین بار با هم به ساختمان ما آمد و تذکر داد. ما هم با او درگیر شدیم که در این درگیری من یک ضرب به چاقو به او زدم.»

نجات قاتل پلیس ساختمانی از اعدام

شهروند | قاتل پلیس ساختمانی، با جلب رضایت اولیای دم، صبح دیروز از جنبه عمومی جرم در مقابل هیأت قضائی دادگاه کیفری استان تهران ایستاد.

۱۵ اسفند سال ۸۸ بود که کلانتری شهر قدس خبر یک درگیری خونین در خیابان رسید. بلافاصله مأموران راهی محل حادثه شدند و پیگیری ماجرا را در دستور کار خود قرار دادند. با حضور مأموران در محل مشخص شد که چند نفر با مأموران پلیس ساختمانی درگیر شده اند و در این درگیری یکی از مأموران پلیس ساختمانی به نام حبیب مجروح شده است. بلافاصله حبیب به بیمارستان ۱۲ بهمن منتقل شد و مأموران پلیس تحقیقات خود را در این باره آغاز کردند. آنها در تجسس های خود در یافتند که این درگیری بر سر ساخت وساز یک پروژه غیرمجاز در حاشیه قلعه حسن خان رخ داده است. بنابراین مأموران پیگیری های خود را درباره شناسایی ضارب آغاز کردند و در حالی که تلاش ها در این رابطه ادامه داشت، از بیمارستان خبر رسید مأمور پلیس ساختمانی به دلیل شدت خونریزی در بیمارستان جان خود را از دست داده است. بنابراین تلاش های شناسایی قاتل ادامه یافت تا این که در نهایت مجید ۲۳ ساله از سوی پلیس شناسایی و بازداشت شد. این پسر در بازجویی ها به قتل حبیب در یک درگیری اعتراف کرد.

نظری به مأموران پلیس گفت: «من به همراه برادرم مسئول کنترل و نظارت یک پروژه ساختمانی بودم. مقتول هم پلیس ساختمانی بود. او چند باری سر پروژه آمد و به خاطر ساخت و ساز من به ما تذکر داد. می گفت ساخت وسازی که ما انجام می دهیم، غیرمجاز است. خیلی از

فراوان و پرداخت ۸۰۰ میلیون تومان توانستند رضایت خانواده مقتول را جلب کنند. الان هم فقط پشیمانم از دادگاه قضائی تخفیف مجازاتم را طلب می کنم.»
بعد از صحبت های متهم، در پایان این جلسه هیأت قضائی وارد شور شدند تا با توجه به رضایت اولیای دم حکم نهایی این پرونده را صادر کنند

آزیر

پایان زورگیری های دماغ کنده



شهروند | مجرم سلباقدار و حرفه ای که دست به زورگیری های سریالی می زد از طریق مشخصات بیئی اش به دام افتاد.

مالک یک مغازه ساعت فروشی در شهری با مراجعه به کلانتری ۱۶۷ دولت آباد به مأموران گفت که توسط دو سرنشین یک خودرو پراید تاکسی سبز رنگ مورد زورگیری قرار گرفته است. با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع «سرتقت به عنف» و به دستور باز پرس شعبه اول داندسرای عمومی و انقلاب شهری، پرونده برای رسیدگی در اختیار پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

مالیخاسته پس از حضور در پایگاه نهم پلیس آگاهی در اظهاراتش به کار آگاهان گفت: «به عنوان مسافر از باقر شهر به مقصد شهری سوار یک پراید تاکسی سبزرنگ با دو سرنشین شدم. در مسیر حرکت، سرنشین صندلی جلو که بینی بزرگی داشت با تهدید چاقو، چهار عدد ساعت طلای همراهم را به ارزش تقریبی ۱۴ میلیون تومان، ۱ میلیون تومان پول و کیف حاوی مدارک شناسایی ما را گرفت. پس از سبقت مرا در بیان های دولت آباد پیاده کردند و با پراید تاکسی از محل متواری شدند.»

زورگیری با تاکسی سرقتی

کار آگاهان با بررسی ارگان هویتی پراید تاکسی اطلاع پیدا کردند که خودرو در ساعت ۲ بعداز نهم اسفندماه از منطقه بازار تهران سرقت شده است. در ادامه و با طرح شکایت مشابه، کار آگاهان با سرتقت هایی رو به رو شدند که طی آن دو سارق زورگیر با استفاده از تاکسی سرقتی اقدام به زورگیری از مسافران کرده بودند. در تمامی سرتقت ها، مالیخاستگان در اظهاراتی مشابه عنوان می کردند که سارق اصلی، جوانی قدبلند با دماغی بزرگ بوده است.

شناسایی مجرم سابقه دار

با بهره گیری از اطلاعات به دست آمده از سوی مالیخاستگان، چهره نگاری و بررسی سوابق مجرمین سلباقدار، کار آگاهان موفق به شناسایی اشکان ۲۷ ساله شدند که بارها به اتهام زورگیری دستگیر و روانه زندان شده بود. بررسی سوابق اشکان نشان داد که وی پس از طی ۳ سال از محکومیت ۱۰ ساله اش، به تازگی از زندان آزاد شده است.

دستگیری دوسارق زورگیر

مخفیگاه اشکان در منطقه دولت آباد شناسایی و اوستگیر شد.

اشکان که چاره ای جز بیان حقیقت نداشت، به زورگیری در پوشش مسافر کشی با استفاده از خودروهای سرقتی اعتراف و با معرفی همدمش ادعا کرد که تمامی سرتقت ها را به همراه یکی از بچه محل هایش به نام «پلیک» ۲۶ ساله که همانند او به مصرف مواد مخدر هرویین و شیشه اعتیاد دارد، انجام داده است.

با شناسایی پلیک به عنوان دیگر عضو این گروه دو نفره، او نیز دستگیر شد و پس از انتقال به پایگاه نهم آگاهی، اعترافات اشکان را تأیید کرد.

متهمان در اعترافات خود عنوان داشتند که علاوه بر سرتقت خودرو پراید تاکسی سبزرنگ، چهار خودرو پراید دیگر را در شهرری و بازار تهران، سرتقت و در ادامه دقیقاً به همین شیوه و شگرد اقدام به سرتقت و زورگیری در پوشش مسافر کشی کردند. متهمان هر کدام از خودروهای سرقتی رانیز پس از ارتکاب چندین زورگیری، در سطح شهرها و مجدداً خودرو جدیدی سرتقت می کردند و سرتقت های خود را از سر می گرفتند. با توجه به شناسایی تعدادی از مالیخاستگان و اعتراف متهمان به زورگیری در مناطق شهری و دولت آباد از کسانی که به این شیوه و شگرد به ویژه در این مناطق مورد زورگیری قرار گرفتند، دعوت می شود تا برای پیگیری شکایات خود به نشانی پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ در شهری - خیابان آستانه مراجعه کنند. ● ● ●

پسر بچه اسکیت باز در دریاچه فدک



پسر بچه اسکیت باز در دریاچه فدک بر و جرد حین مسابقه با دوستانش غرق شد. شامگاه جمعه تعدادی کودک اسکیت سوار برای بازی وارد محوطه دریاچه فدک بر و جرد شده و مشغول بازی می شوند. در حین مسابقه این افراد، یکی از آنها که پسر ۱۳ ساله ای به نام وحید اسداللهی بود، حین پرش از محوطه به داخل دریاچه سقوط می کند. با اعلام موضوع به هلال احمر بلافاصله سه تیم امدادی و غواص به محل دریاچه اعزام و جست و جوی برای یافتن پسر ۱۳ ساله آغاز می کنند. به گفته معسولان امداد نجات هلال احمر، تلاش ها برای یافتن جسد پسر بچه ۱۳ ساله ادامه داشت تا این که در ساعت ۱۲ ظهر تیم غواص موفق شدند جسد این کودک را در عمق دریاچه پیدا کنند